هدیه سال 2007 روسیه به اروپا قطع نفت

رخدادی قابل تأمل برای کشورمان‏ که در آغاز راه طولانی و چندین دهه‏ای صادرات گاز قرار دارد هدیه سال 2007 روسیه به اروپا قطع نفت

در روز اول ژانویه 2006 روسیه به دنبال اختلاف‏نظر با اوکراین درباره قیمت گاز صادراتی،صدور گاز به‏ اوکراین را برای چند روز قطع کرد.بر اثر این اقدام و به‏ دلیل اینکه اوکراین مسیر صادرات 80 درصد گاز روسیه‏ به اروپاست،طبعا صادرات گاز به اروپا نیز قطع شد.آن‏ زمان بحث بسیاری درباره این اقدام این روسیه در گرفت.در آستانه سال 2007 شرایطی کاملا مشابه به‏ وجود آمد و این بار اختلاف‏نظر روسیه با بلاروس که‏ مسیر 20 درصد گاز صادراتی روسیه است دورنمای‏ قطع گاز به سمت اروپا را در اذهان مجسم ساخت.ولی‏ در آخرین لحظات بین دو طرف در خصوص قیمت گاز توافق صورت گرفت و ظاهرا نگرانی‏ها مرتفع شد.اما این بار اقدام و واکنش بلاروس موجب گردید که‏ صادرات نفت روسیه به بلاروس و پنج کشور دیگر اروپایی متوقف شود.

پیشینه امر

در یک سال گذشته و در شرایطی که رسانه‏های غربی‏ از تغییر وضعیت روسیه و تجلی و تثبیت آن کشور به‏ عنوان قدرت برتر انرژی خبر می‏دادند،خبرها از تمایل‏ روسیه به در اختیار گرفتن و کنترل خط لوله انتقال گاز موجود در بلاروس حکایت می‏کرد.این خبرها از آن‏ جهت مهم بود که بلاروس تنها متحد باقی مانده روسیه‏ (از خیل کشورهای سابق جزء شوروی و یا عضو پیمان‏ ورشو)در اروپا بود و از لحاظ جهت‏گیری‏های سیاسی‏ کمابیش با روسیه هماهنگی داشت.از جانب بلاروس‏ نیز تنها یک خبر منتشر شد و آن اینکه روس‏ها قیمتی‏ اندک و در حدود 10 درصد ارزش واقعی خط لوله‏ مورد نظر پیشنهاد داده‏اند.

در اواسط ماه دسامبر 2006 الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس،به مسکو سفر کرد و در دیداری‏ سه ساعته به مذاکره با ولادیمیر پوتین پرداخت.

روسیه علاوه بر تامین گاز مورد نیاز بلاروس و همچنین صادرات از طریق خط لوله مورد نظر به اروپا از طریق خط لوله دیگری که موسوم به دوستی( Druzhba ) است به بلاروس و از طریق آن کشور به لهستان،آلمان، مجارستان،جمهوری چک و اسلواکی نفت صادر می‏کند.بنا بر سابقه دوستی و هم‏پیمانی دو کشور،نفت‏ و گاز ارسالی به بلاروس با قیمت‏های کمتر از بهای‏ بین المللی محاسبه می‏شد.به ویژه در خصوص نفت، بلاروس نفت بیشتر از نیاز خود دریافت و با پالایش میزان‏ اضافه بر نیاز در دو پالایشگاه خود فرآورده‏های‏ استحصالی را با قیمت‏های بین المللی صادر می‏کرد و از این رهگذر منافعی عایدش می‏شد.

در مذاکرات رؤسای جمهور دو کشور در مسکو،طبق‏ اخبار منتشره،طرف روسی اعلام می‏کند که از این پس‏ بر نفت صادراتی به بلاروسی هر تن 70/180 دلار(یا در هر بشکه 65/24 دلار)علاوه بر قیمت نازل قبلی مالیات‏ صدور وضع و محاسبه خواهد گردید.افزون بر این، قیمت هر هزار متر مکعب گاز صادراتی به جای 47 دلار، از این پس،200 دلار محاسبه خواهد شد.مذاکرات با شکست مواجه شد و لوکاشنکو که طبق برنامه قرار بود به همراه پوتین از یک مجتمع فرهنگی ورزشی بازدید کند و در ضیافت شام شرکت نماید یک سره از کرملین‏ به فرودگاه رفته و به مینسک مراجعت کرد.در روزهای‏ بعد،بلاروس میزان نفت دریافتی خود را از حدود 400 هزار بشکه در روز به 193 هزار بشکه تقلیل داد.در زمینه‏ گاز نیز مذاکرات تداوم یافت و روسیه تهدید کرد در صورت عدم نیل به تفاهم با بلاروس از ساعت 10 بامداد روز اول ژانویه 2007 صدور گاز را قطع خواهد کرد.البته‏ روسیه در طی مذاکرات قیمت هر هزار متر مکعب گاز را از 200 به 145 و پس از آن به 105 دلار کاهش داد و نهایتا دقایقی قبل از فرا رسیدن ضرب الاجل طرفین‏ در خصوص قیمت 100 دالر به توافق رسیدند.به این‏ ترتیب از کشورهای اروپایی دریافت کننده از روسیه‏ (مشخصا لهستان و آلمان)رفع نگرانی شد.بر اساس‏ توافق به عمل آمده قرار شد بلاروس از هر 100 دلار بهای‏ گاز 70 دلار را به صورت نقد پرداخت کند و 30 دلار باقی مانده بابت سهام خط لوله گاز مورد نظر(موسوم به‏ Beltrangag )محاسبه شود.همچنین توافق شد ظرف‏ 4 سال بهای گاز به حد قیمتی که اروپائیان به روسیه‏ پرداخت می‏کنند(235 دلار برای هر 1000 متر مکعب) برسد.حسب محاسبات انجام شده ظاهرا تا 4 سال دیگر روسیه نیمی از سهام شرکت خط لوله را مالک خواهد شد.

در شرایطی که همه‏چیز به نظر می‏رسید به وضعیت‏ عادی بازگشته است با واکنش بلاروس وضعیت به‏ مرحله بحرانی رسید.یعنی بلاروس اعلام کرد به ازای‏ هرتن نفت صادراتی روسیه به اروپا از طریق بلاروس‏ 45 دلار مالیات وضع و اخذ خواهد کرد.

این واکنش و اقدام برای روسیه غیرمترقبه بود.وزیر انرژی روسیه که در تعطیلات به سر می‏برد طی‏ مصاحبه‏ای اعلام کرد وضع مالیات بر کالایی که نه در بلاروس تولید شده و نه مصرف می‏شود و صرفا از خاک‏ آن کشور عبور می‏کند فاقد هرگونه توجیهی است و خواستار تجدیدنظر در این امر شد.بلاروس‏ عکس العمل منفی نشان داد و بر نظر خود اصرار ورزید. رئیس جمهور آن کشور اعلام کرد موقعیت استراتژیک‏ بلاروس برگ برنده آن کشور است و قصد دارد از آن‏ بهره‏برداری نماید.روسیه در این خصوص واکنش نشان‏ داد و صدور نفت از طریق خط لوله دوستی را متوقف‏ کرد.این امر موجب بروز نگرانی در کشورهای ذینفع‏ اروپایی شد.

در اولین اقدام،وزرای اقتصادی لهستان و آلمان ضمن‏ ابراز نگرانی نسبت به قطع جریان نفت،که به طور متوسط به میزان 2 میلیون بشکه در روز است،خواستار ادای‏ توضیح از سوی روسیه و بلاروس شدند.دو مقام یاد شده هر یک به تنهایی نکته مهمی را یادآوری کردند؛ اینکه با قطع جریان نفت و گاز در سال قبل اتکا اروپا به‏ شرق(روسیه)از لحاظ انرژی امری عقلایی نیست.سپس‏ دیگر مقامات ارشد اروپایی از جمله آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان،نیز در خصوص قطع جریان نفت از روسیه ابراز نگرانی کردند.

شایان ذکر است که کشورهای اروپایی دریافت‏کننده‏ نفت روسیه از طریق خط لوله بلاروس حدودا 80 روز ذخیره در اختیار دارند.از همین رو و با توجه به اینکه‏ معضل پیش‏آمده حتما قبل از این 80 روز به نحوی حل‏ خواهد شد،وضعیت به مرحله بحران و اضطرار نخواهد رسید.

این امر نهایتا با فشارهای اعمال شده از جهات مختلف‏ صورت گرفت و بلاروس پس از سه روز از تصمیم خود درباره وضع مالیات بر نفت صادراتی روسیه عدول کرد.

بررسی تحولات بازار جهانی نفت‏ آیا از روسیه باید ترسید؟

نویسنده:اوئن ماتیوس

مترجم:سید محمد ستوده\*

در این میان توجه به وضعیت کشورهای موضع‏گیرنده‏ در این خصوص ضروری است.

بلاروس.حکومت بلاروس از جانب کشورهای عضو اتحادیه اروپایی دولتی اقتدارگرا و غیردموکراتیک تلقی‏ می‏شود.این حکومت،به ویژه در خصوص انتخابات‏ سال گذشته ریاست جمهوری و تداوم حکومت‏ لوکاشنکو،به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.تلاش‏هایی‏ هم کمابیش از سوی کشورهای غربی برای ایجاد شرایط موسوم به انقلاب رنگین در بلاروس از طریق‏ بزرگ‏نمایی رقیب لوکوشنکو و تبلیغ درباره حبس و بازداشت وی صورت گرفت.

با توجه به این مسائل اقدام لوکاشنکو در مخالفت با روسیه، به ویژه در شرایطی که بلاروس محصور در خشکی است‏ و امکان مانور چندانی ندارد،کمی عجیب به نظر می‏رسد.

روسیه.مبادرت به دو اقدام حاد در طول یک سال در مورد اوکراین و بلاروس\*،آن هم برای دستاوردی به طور نسبی کم اهمیت و در ازای از دست دادن نفع بزرگ‏تر و بادوام‏تر تامین‏کننده اصلی انرژی اروپا شدن،نیز عجیب‏ به نظر می‏رسد.آن هم در شرایطی که روسیه با رقیبی بالقوه‏ هم‏طراز و با توان بالا در این عرصه یعنی ایران همسایه‏ است نیز مسئله‏ای قابل تامل است.آیا روسیه علی رغم‏ سر و صدا و جنجال اروپایی‏ها با برادر بزرگتر و اداره‏کننده‏ اروپا یعنی آمریکا تفاهم نکرده است؟آینده جوابگوی این‏ پرسش خواهد بود.

موضوعی درخور توجه برای ایران

کشورمان در آغاز راه طولانی و چندین دهه‏ای صادرات‏ گاز قرار دارد.ما در خصوص صدور نفت با مسائل و مشکلات امر آشنا هستیم و تجربه داریم،اما مقوله صدور گاز از طریق خط لوله که از خاک یک یا چند کشور مسیر عبور کند مطلب جدیدی است.آن چنان که موضوع‏ روسیه،اوکراین و روسیه و بلاروس نشان می‏دهد کشور یا کشورهای مسیر توان ایجاد مشکل برای صادر کننده را دارند.بنا بر این مطالعه و پیش‏بینی شرایط قبل از مبادرت به‏ اقدام شرط حزم و احتیاط است.

(\*)در بین جمهوری‏های تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی(سابق) اوکراین و بلاروس(بیلو روسی)وضعیت خاص و ممتازی داشتند. این امر به خاطر اشتراک نژادی،فرهنکی و مذهبی دو جمهوری مزبور با عنصر غالب در شوروی یعنی روسیه بود.به خاطر داریم که در زمان‏ شوروی حتی دو جمهوری مزبور در سازمان ملل کرسی و رای جداگانه‏ داشتند.البته اوکراین در پایان جنگ دوم جهانی و تغییرات صورت‏ گرفته در مرزها در شرق اروپا(و در اختیار گرفتن بخشی از اراضی که‏ در سابق متعلق به لهستان بود)دچار اختلاط نژادی و مذهبی شد، ولی بلاروس کماکان همگونی کامل با روسیه را حفظ کرده است. اقدام روسیه نمایانگر این نکته است که منافع ملی خود را مقدم بر همه‏چیز تلقی می‏کند.

عربستان سعودی سال‏های متمادی به عنوان بزرگترین‏ صادرکننده نفت،عامل تثبیت‏کننده قیمت این فرآورده‏ در بازارهای جهانی به شمار می‏رفت،اما در اوائل سال‏ 2006 کشور روسیه جایگاه نخست را در میان‏ صادرکنندگان نفت به خود اختصاص داد و لرزه بر اندام‏ جهان غرب انداخت.آیا باید از روسیه ترسید؟

آیا روسیه در حکم یک عربستان جدید ایفای نقش‏ خواهد کرد؟

عربستان سعودی به مدت چندین دهه در مقام‏ بزرگترین تامین کننده انرژی جهان قادر بود از طریق‏ کارتل قدرتمند اوپک،قیمت‏های بین المللی نفت را کنترل کند.اما در اوائل سال 2006،در پی افزایش‏ چشمگیر تولید نفت در روسیه،این کشور توانست عنوان‏ بزرگترین تولیدکننده نفت خام جهان را به دست آورد. افزون بر این،روسیه از لحاظ صادرات گاز طبیعی بسیار جلوتر از سایر کشورهاست.به این ترتیب،بازار جدید انرژی اکنون بر محور روسیه-به عنوان رهبر بالفعل تولید کنندگان غیراوپک-می‏چرخد.

ظهور مسکو به عنوان یک پایتخت نفتی و مقایسه آن با ریاضی عمدتا قابل درک نیست و مبهم تلقی می‏شود.

عربستان سعودی از دهه 1960-زمانی که اوپک بنیان‏ نهاده شد-مسیری طولانی را پیمود و توانست رهبری‏ این کارتل بزرگ را در تحریم بزرگ نفتی و متنبه کردن‏ غرب بر عهده بگیرد.اکنون سعودی‏ها به عنوان یک‏ قدرت بزرگ نفتی از مزایای قیمت‏های بالا و با ثبات‏ نفت بهره‏مند هستند.این وضعیت می‏تواند اقتصاد جهان را همچنان فعال و پرجنب و جوش باقی‏ نگه دارد.

در نقطه مقابل،ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه‏ توانسته ثروت نفتی روسیه از چنگ شرکت‏های چند ملیتی غربی درآورد و با بهره‏گیری از قدرت منابع گازی‏ خود به کشورهای کوچک همسایه‏اش فشار وارد آورد. به این ترتیب او خریداران نفت را در سراسر جهان به‏ ترس و وحشت انداخته است.پوتین می‏داند غربی‏ها در خصوص قابل اعتماد بودن روسیه،در مقام تامین‏ کننده انرژی و شریک تجاری،بسیار نگران هستند.به هرحال آنچه که در این بحث‏ها مغفول مانده همانا قیمت‏های نفت است.

اکنون جایگاه عربستان سعودی به طور چشمگیری‏ تغییر یافته است.نه تنها به لحاظ اینکه دیگر آن کشور نمی‏تواند از طریق باز و بسته کردن شیرهای نفت خود قیمت‏ها را در سطح 20 دلار در هربشکه تنظیم کند، بلکه از آن جهت که عربستان اکنون دریافته است اقتصاد جهانی می‏تواند حتی با نفت بشکه‏ای 70 دلار نیز به‏ پیشرفت خود ادامه دهد.هم‏اکنون عربستان از قیمت‏های نفت بالای 55 دلار دفاع می‏کند.این در حالی است که روسیه در جایگاه کشوری که مجبور نیست مانند اعضای اوپک بر اساس سهمیه‏های تعیین‏ شده نفت تولید کند،با حد اکثر سرعت ممکن تولیدات‏ میادین نفتی و گازی خود را به اقتصاد جهان تزریق‏ می‏کند.به این ترتیب روسیه توانسته است سطح تولید نفت خود را از روزانه 1/6 میلیون بشکه در پنج سال قبل‏ به 8/9 میلیون بشکه در زمان حاضر برساند.این شرایط موجب شده افزایش اخیر قیمت‏های نفت تا اندازه قابل‏ توجهی مهار شود.اما اکنون این سئوال مطرح است که‏ روسیه چگونه می‏تواند شرکت‏های بزرگ نفتی نظیر "شل‏"و بریتیش پترولیوم را تحت فشار قرار دهد؟

غرب در گذشته مایل بود روسیه بتواند در زمینه انرژی‏ یکی از بازیگران اصلی شود؛زیرا در بهترین شرایط نیز از نفوذ چندانی در بازار برخودار نبود. هم‏اکنون روسیه قادر نیست سطح تولید فعلی نفت‏ خود را بدون انجام سرمایه‏گذاری‏های هنگفت‏ در میدان‏های جدید نفتی حفظ کند و تداوم بخشد چه‏ برسد به این که بتواند آن را افزایش دهد.به طور کلی میادین‏ نفتی روسیه در مناطق دور دست و صعب العبور مانند شمال سیبری و مناطق قطبی قرار دارند.